

بررسی وضعیت ظهنروپسی و تفاوت آن با ضمانت در اسناد تجاری با تأکید بر رویه قضایی

علی باقری *

امیر برزگر **

سکینه باقری ***

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۱۲

چکیده

تشخیص ظهنروپسی از ضمانت، یکی از مسائل و مشکلات مهم در دادرسی‌های مدنی است. این امر، از این باب حایز اهمیت است که قانون آیین دادرسی مدنی و قانون تجارت، تعریفی از ظهنروپسی و ضمانت ارائه نداده‌اند. این پژوهش بر آن است که با توجه به اصول اساسی حاکم بر حقوق تجارت و با توجه به پیچیدگی‌های مباحث تکنیکی اسناد تجاری به مفهوم خاص (چک، سفته و برات) و همچنین ضرورت تسهیل امر تجارت از ورای مقررات، از طریق بازشناسی مفاهیم ظهنروپسی و ضمانت در اسناد تجاری، وجوه اشتراک و افتراق این دو را مورد شناسایی فنی و کاربردی قرار دهد. با توجه به اهمیت موضوع و به منظور ارزیابی موشکافانه‌ی آن، آرای وحدت رویه‌ی دیوان عالی کشور، آرای اصراری دیوان عالی کشور، آرای دادگاه‌های حقوقی، نظریات مشورتی قضات دادگاه‌های حقوقی تهران و نظریات مشورتی اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه، در رابطه با ظهنروپسی و ضمانت در اسناد تجاری از جمله چک، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: ظهنروپسی، ضمانت، سند، اسناد تجاری، برات، سفته، چک.

پژوهشگاه تخصصی حقوق
پرتال جامع علوم انسانی

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده‌ی مسؤول).

Bagheri.ali69@gmail.com

** قاضی دادگستری و دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی مؤسسه آموزش عالی نور طوبی.

Amirbarzegar640@gmail.com

*** دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی و مربی گروه حقوق دانشکده الهیات و علوم

اسلامی دانشگاه پیام نور.

Bagheri3574@gmail.com

مقدمه

از ابهامات اساسی که محاکم دادگستری (اغلب محاکم حقوقی) در باب دعاوی مربوط به اسناد تجاری با آن روبه‌رو هستند بحث تشخیص ظهنروپسی از ضمانت است. ضرورت آشنایی با مباحث اسناد تجاری از این جهت حایز اهمیت است که امروزه تمامی روابط اقتصادی و مالی فی‌مابین افراد، از این طریق انجام می‌شود و به خاطر مشکلاتی که نقدینگی در گردش می‌تواند برای افراد جامعه ایجاد نماید همواره سعی دولت و حاکمیت بر این بوده است که از اسناد تجاری و مخصوصاً چک، ابزاری بسازد که جایگزین پول و نقدینگی باشد و چنان اعتبار و اهمیتی به آن ببخشد که افراد جامعه به راحتی آن را در روابط مالی خود به کار گیرند.

در این پژوهش ضمن بررسی مفهوم اسناد تجاری، مفاهیم ظهنروپسی و ضمانت و تفاوت این دو با یکدیگر و برخی مسائل مطرح در این زمینه را از طریق رویه‌ی قضایی در دو گفتار بررسی خواهیم کرد. در گفتار نخست، وضعیت ظهنروپسی و ضمانت در اسناد تجاری و برخی مسائل مطرح در رویه‌ی قضایی، مورد واکاوی قرار خواهند گرفت و در گفتار دوم، به رویه‌ی قضایی در رابطه با وضعیت ظهنروپسی اسناد تجاری (چک) خواهیم پرداخت.

گفتار اول: وضعیت ظهنروپسی و ضمانت در اسناد تجاری و برخی مسائل مطرح در رویه قضایی

الف) مفاهیم ظهنروپسی و ضمانت و تفاوت آنها با یکدیگر

برای بیان تفاوت بین ظهنروپسی به عنوان انتقال و ظهنروپسی به عنوان ضمانت در اسناد تجاری، لازم است ابتدا تعریفی از ظهنروپسی ارائه دهیم و سپس هر یک از ظهنروپسی به عنوان انتقال و ظهنروپسی به عنوان ضمانت را شرح داده و در پایان به بیان تفاوت آنها بپردازیم.

۱) تعریف ظهنروپسی

در رابطه با ظهنروپسی، قانون‌گذار در مورد برات، اصطلاح «ظهنروپسی» را در مبحث پنجم از باب چهارم در مواد ۲۴۵ الی ۲۴۹ قانون تجارت و بدون ارائه‌ی تعریفی از

ظهرنویسی به کار برده است و سپس در بیان مقررات حاکم بر چک، در مواد ۳۱۴ و بعد از آن، مقررات حاکم بر ظهرنویسی برات را در مورد چک نیز لازم‌الرعایه دانسته است؛ بنابراین برای بیان و درک اصطلاح ظهرنویسی، به ناچار باید از تعریف لغوی، تعریف حقوقی و نیز عرف قضایی استفاده کرد.

اصطلاح «ظهرنویسی» متشکل از کلمه‌ی «ظهر» به معنی پشت و مصدر «نوشتن» می‌باشد.^۱ ظهرنویسی در اسناد تجاری عبارت از: نوشتن جمله یا عبارتی خاص، ممضی به امضای دارنده‌ی سند بر پشت آن است که متضمن انتقال وجه سند به دیگری است.^۲

در رابطه با تعریف حقوقی ظهرنویسی می‌توان گفت که ظهرنویسی، یکی از اعمال حقوقی است که با توجه به مواد ۱۰، ۲۲۳ و ۲۲۹ قانون مدنی، در حکم تنظیم قراردادی بین دارنده‌ی سند و منتقل‌الیه است؛ پس با تحقق ظهرنویسی سند تجاری، مطابق ماده‌ی ۲۴۹ قانون تجارت، صادرکننده و ظهرنویس‌ها، متضامناً ملزم به پرداخت وجه خواهند بود؛ علاوه بر این، از جمله شرایط لازم برای تحقق ظهرنویسی بر اساس ماده‌ی ۱۹۰ قانون مدنی، اهلیت ظهرنویسان است؛ بنابراین در صورتی که ظهرنویس، درحین اقدام به ظهرنویسی سند تجاری، فاقد اهلیت لازم باشد (مانند تاجری که بعد از اعلام توقّف، چکی را ظهرنویسی کند) عدم اهلیت او آثار انتقال چک به منتقل‌الیه را از بین می‌برد.^۳

۱-۱) اقسام ظهرنویسی

به طور کلی مطابق ماده‌ی ۲۴۷ قانون تجارت، بسته به اینکه ظهرنویسی برای انتقال به دیگری صورت گرفته باشد یا به وکالت و نمایندگی برای وصول وجه سند، آثار ظهرنویسی تفاوت می‌کند؛^۴ بدین لحاظ، ظهرنویسی را می‌توان به دو قسم تقسیم نمود:

۱- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۲۹۶.
۲- براهم، احمد؛ دادگو، رحمان؛ ظهرنویسی در حقوق تجارت ایران، مجله حقوق خصوصی و بازرگانی، شماره دوم، ۱۳۷۰، ص ۴۹.

۳- حسنی، حسن؛ حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۴، ص ۱۰۱.
۴- بهارپور، نیما؛ بررسی‌های حقوقی: ظهرنویسی و آثار حقوقی آن در اسناد تجاری، مجله پژوهش‌های حقوقی - اقتصادی، شماره ۶۹ شهریور ۱۳۸۷، ص ۱۲۷.

۱-۱-۱) ظهرنویسی برای انتقال

در ظهرنویسی برای انتقال (ماده ۲۴۵ قانون تجارت)، چون ظهرنویس، کلیه حقوق و مزایای متعلق به سند را به دیگری منتقل می‌کند دیگر نمی‌تواند به عنوان مثال، وجه چک را از بانک خارج کند؛ به علاوه این که فوت یا ورشکستگی یا مسدود شدن حساب بانکی صادرکننده، در ظهرنویسی برای انتقال، مانع پرداخت وجه به منتقل‌الیه نخواهد شد؛ بدین ترتیب ظهرنویسی برای انتقال، تضمین‌کننده حقوق منتقل‌الیه است و مهم‌ترین اثر آن انتقال قطعی مالکیت وجه چک به منتقل‌الیه است. مع هذا در مواردی که چک، مفقود یا سرقت یا جعل گردد و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگری به دست آمده باشد استثنائاً به موجب ماده ۱۴ قانون اصلاح موادی از قانون چک، صادرکننده یا ذی‌نفع می‌تواند دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک محال‌علیه بدهد. در صورتی که خلاف ادعای صادرکننده چک (که به دستور او پرداخت وجه متوقف مانده است) ثابت شود، دستوردهنده مجازات خواهد شد.^۱

۱-۱-۲) ظهرنویسی به نمایندگی و وکالت

با اینکه اصل در ظهرنویسی، انتقال مالکیت وجه سند تجاری و مزایای قانونی آن به منتقل‌الیه است با وجود این در پاره‌ای از اوقات، دارنده سند تجاری برای سهولت انجام امر می‌تواند به جای اینکه شخصاً برای وصول وجه سند به بدهکار یا به بانک محال‌علیه مراجعه کند با ظهرنویسی سند به نام دیگری به نمایندگی یا وکالت، اجازه‌ی دریافت وجه را بدهد. این گونه ظهرنویسی‌ها بر مبنای ماهیت حقوقی عقد وکالت و به موجب مفاد ماده ۶۷۲ قانون مدنی، جایز است و «ظهرنویسی به نمایندگی یا وکالت» نامیده می‌شود.^۲ مثلاً دارنده چک، در مورد نمایندگی می‌نویسد:

۱- قنبری کیوی، سولماز؛ وکیل در ظهرنویسی وکالتی، فصلنامه کانون، سال پنجاه و سوم، شماره ۱۲۱، مهر ۱۳۹۰، ص ۷۶.

۲- صادقی گلدر، احمد؛ ظهرنویسی، مقررات و انواع آن، فصلنامه حق (مطالعات حقوقی و قضایی)، شماره چهارم، زمستان ۱۳۶۴، ص ۷۲۱.

ریاست محترم بانک ... شعبه ی ...

خواهشمند است وجه این چک را پس از وصول از بانک ...، به حساب جاری شماره ی ... که به نام اینجانب و در نزد آن بانک مفتوح است منظور فرمایید.

امضاء

مهم‌ترین آثار حقوقی «ظهرنویسی به نمایندگی» این است که در صورت عدم پرداخت وجه چک از طرف بانک محال علیه، حق شکایت کیفری ظهرنویس علیه صادرکننده ی چک به قوت خود باقی است و مفاد ماده ی ۱۱ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک و همچنین رأی وحدت رویه ی شماره ی ۲۱ مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۲۶ دیوان عالی کشور، مؤید صحت این نظریه است؛^۱ علاوه بر اینکه در «ظهرنویسی به نمایندگی یا وکالت»، نماینده یا وکیل، از طریق ظهرنویسی، حق انتقال وجه چک را به شخص ثالث نخواهد داشت. در صورت فوت ظهرنویس و عدم وصول وجه چک از ناحیه ی وکیل، با اینکه به موجب قانون متحدالشکل چک ژنو، برای جلوگیری از تزلزل و کندی مبادلات به وسیله ی چک، فوت ظهرنویس بعد از تسلیم چک به وکیل، از طریق ظهرنویسی به وکالت، تأثیری ندارد؛ مع هذا با سکوت قانون تجارت ایران در مورد فوت ظهرنویس بعد از اقدام به ظهرنویسی به وکالت، با تمسک به مفاد ماده ی ۶۷۹ قانون مدنی، چون ظهرنویسی به وکالت، ماهیت عقد جایز را دارد بنابراین با فوت ظهرنویس و قبل از وصول وجه چک، قابل فسخ است. در کشور ایران، با توجه به اینکه بالاترین نقش جایگزینی پول و نقدینگی، از طریق چک انجام می‌شود و تلاش حاکمیت نیز بر این قرار گرفته است که به چک چنان اعتبار و اهمیتی بدهد که افراد جامعه به راحتی آن را در روابط مالی به کار گیرند لذا در قسمتی از مباحث بعدی، به صورت تخصصی، به چک به عنوان یکی از اسناد تجاری پرداخته خواهد شد.

۲-۱) ظهرنویسی و انتقال چک

همان‌گونه که قبلاً گفتیم، مقررات ظهرنویسی چک و ضمانت ظهرنویس‌ها درست همانند مقررات مربوط به برات می‌باشد. طبق ماده ی ۳۱۴ قانون تجارت، مقررات راجع به بروات،

۱- همان؛ ص ۷۲۳.

از لحاظ ظهنروپس‌ها (مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸)، اعتراض (مواد ۲۹۳ تا ۲۹۷)، ضمانت صادرکننده، اقامه‌ی دعوای ضمان و مفقود شدن (مواد ۲۴۹ تا ۲۹۲)، شامل چک نیز خواهد بود. در این مورد، ذکر چند نکته ضروری است:

۱-۲-۱) شرایط ظهنروپسی و انتقال چک

زمانی که چکی در وجه شخص معینی یا به حواله‌کرد وی صادر شده باشد، شخص مزبور حق دارد با ظهنروپسی، چک را به شخص دیگری منتقل کند. چک را می‌توان به صرف امضا در ظهر آن، به دیگری منتقل کرد. در صورتی که چک در وجه حامل باشد انتقال آن احتیاج به ظهنروپسی و امضا ندارد.^۱

۱-۲-۲) ظهنروپسی سفید امضا

ظهنروپسی سفید امضا، مانند سفته و برات در مورد چک نیز پذیرفتنی است؛ یعنی دارنده‌ی چک می‌تواند فقط با امضای خود در پشت چک، آن را به هرکس دیگری منتقل کند و نیازی به نوشتن نام منتقل‌الیه و تاریخ انتقال و ... ذیل امضای خود ندارد؛ هرچند قید آن می‌تواند آثاری را در پی داشته باشد؛ آثاری مانند: تشخیص اهلیت ظهنروپس و انتقال‌گیرنده (منتقل‌الیه) به هنگام ظهنروپسی، تشخیص صاحبان حق رجوع به لحاظ کثرت ظهنروپسان و

۲) تعریف ضمانت

ضمانت، از ریشه‌ی لغوی ضمان، در لغت عرب به معنی در برگرفتن، در چیزی جای دادن، کفیل شدن و غرامت یا تاوان چیزی را بر عهده گرفتن می‌باشد.^۲ در فرهنگ‌های فارسی به معنی قبول کردن، پذیرفتن و بر عهده گرفتن وام دیگری آمده است و ملتزم شدن به اینکه هرگاه کسی تعهد خود را وفا نکرد از عهده‌ی خسارت برآید.^۳

۱- عرفانی، محمود؛ حقوق تجارت به زبان ساده، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۳، ص ۱۹۹.

۲- اسکینی، ربیعا؛ حقوق تجارت، اسناد تجاری، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۲، ص ۱۰۹.

۳- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه، جلد دهم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۵۲۴.

در اصطلاح فقها به معنی تعهد و بر عهده گرفتن است.^۱ معنای اصطلاحی به معنای لغوی نزدیک است. ماده‌ی ۶۸۴ قانون مدنی بیان می‌دارد: «عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه‌ی دیگری است به عهده بگیرد».

ماده‌ی ۴۰۲ قانون تجارت بیان می‌دارد: «ضامن وقتی حق دارد از مضمون له تقاضا کند که بدو به مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب، به او رجوع نماید که بین طرفین (خواه ضمن قرارداد مخصوص، خواه در خود ضمانت‌نامه) این ترتیب مقرر شده باشد». ماده‌ی ۴۰۳ قانون تجارت نیز بیان می‌دارد: «در کلیه‌ی مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی، ضمانت تضامنی باشد، طلبکار می‌تواند به ضامن و مدیون اصلی، مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود، برای تمام یا بقیه‌ی طلب به دیگری رجوع نماید».

ماهیت حقوقی ضمانت در قانون مدنی و قانون تجارت متفاوت است. قانون مدنی به تبعیت از فقه امامیه، بر این عقیده است که، با ضمانت ضامن، مدیون در برابر طلبکار، بری می‌شود و ضامن به جای او مدیون می‌گردد (نقل ذمه به ذمه)؛ اما قانون تجارت بر این عقیده است که تعهد ضامن و مدیون، تضامنی است و طلبکار به هر کدام که بخواهد می‌تواند برای تمام یا بخشی از طلب خود رجوع کند (ضم ذمه به ذمه).^۲

طبق ماده‌ی ۴۰۲ قانون تجارت، اصل تضامن بین مدیون و ضامن برقرار است و در حقوق تجارت اصل بر ضم ذمه به ذمه یا تضامنی بودن مسؤولیت است و دو سیستم مجزا، در حقوق تجارت و حقوق مدنی حاکم است.

۳) تفاوت ظهنروپسی به عنوان انتقال و ظهنروپسی به عنوان ضمانت

مطابق ماده‌ی ۲۴۹ قانون تجارت، در ظهنروپسی به عنوان ضمانت، ظهنروپس فقط با کسی که از او ضمانت نموده (برات‌دهنده، محال‌علیه یا ظهنروپس) مسؤولیت تضامنی دارد؛ در حالی که در ظهنروپسی به عنوان انتقال، ظهنروپس همانند برات‌دهنده و کسی که برات را قبول کرده است در مقابل دارنده‌ی برات مسؤولیت تضامنی دارد.

۱- لطفی، اسدالله؛ ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه محمدبن مکی (شهید اول)، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۲، ص ۴۲۶.

۲- شیروی، عبدالحسین؛ میری، حمید؛ بررسی تطبیقی انتقال الکترونیکی اسناد تجاری (سفته، برات و چک)، فصلنامه اندیشه‌های حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۵.

اصولاً مسؤولیت ضامن، مطابق مقررات قانون مدنی است درحالی که مسؤولیت ظهنرنویس، مطابق مقررات قانون تجارت است؛ البته مسؤولیت ضامن در اسناد تجاری، مطابق مادهی ۲۴۹ قانون تجارت، مسؤولیت تضامنی ضامن با شخص و یا اشخاصی است که از آنها ضمانت نموده است؛ بنابراین:

الف) مرور زمان یک ساله‌ی حق مراجعه به ظهنرنویس، در مورد ضامن لازم‌الرعایه نیست. رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۵۹۷ مورخ ۱۳۷۴/۲/۱۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، دلالت دارد که در مورد امضاکننده‌ی ظهر سفته (ضامن)، رعایت مهلت مقرر در ماده‌ی ۲۸۶ قانون تجارت مورد ندارد. متن رأی وحدت رویه‌ی فوق چنین است: «مهلت یک سال مقرر در ماده ۲۸۶ قانون تجارت، جهت استفاده از حقی که ماده‌ی ۲۴۹ این قانون برای دارنده‌ی برات یا سفته منظور نموده، در مورد «ظهنرنویس» به معنای مصطلح کلمه بوده و ناظر به شخصی که ظهر سفته را به عنوان ضامن امضا نموده است نمی‌باشد؛ زیرا با توجه به طبع ضمان و مسؤولیت ضامن در هر صورت (بنا بر قول ضم ذمه به ذمه یا نقل آن)، در قبال دارنده‌ی سفته یا برات، محدودیت مذکور در ماده‌ی ۲۸۹ قانون تجارت درباره‌ی ضامن مورد نداشته ...»^۱

ب) با اتکا به اصل آزادی اراده در قراردادها و نیز مدلول ماده‌ی ۱۰ و ماده‌ی ۷۱۳ قانون مدنی، ضامن برات، مانند ظهنرنویسان می‌تواند مسؤولیت خود را در ضمانت محدود و یا مقید به شروطی کند؛ مثلاً ضامن می‌تواند ضمانت خود را به پرداخت قسمتی از وجه برات محدود کند و یا فقط در مقابل دارنده‌ی فعلی برات ضمانت کند یا مدت ضمانت را در برات‌های به رؤیت، کمتر از موعد یک سال مقرر در ماده‌ی ۲۷۴ قانون تجارت تعیین کند؛ همچنین ضامن می‌تواند به شرط تصریح در برات، از حامل برات (مضمون‌له) بخواهد که بدو به مدیون اصلی مراجعه کرده و در صورت عدم وصول طلب به او رجوع کند (ماده‌ی ۴۰۲ قانون تجارت).

به طور کلی ضامن می‌تواند هر نوع شرطی که خلاف مقتضای عقد و یا مباین با قوانین آمره نباشد در برات قید کند؛ چنانکه ضامن می‌تواند التزام به تأدیه مضمون‌به را در برات، به وقوع شرطی معلق نماید. به همین جهت اگر ضامن، یکی از شرایط اساسی

۱- کامیار (کارکن)، محمدرضا؛ گزیده آرای دادگاه‌های حقوقی تهران، مجموعه‌ی سوم، چاپ نخست، تهران، انتشارات حقوقدان، ۱۳۷۶، ص ۱۹۵.

مذکور در فقرات ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۸ ماده‌ی ۲۲۳ قانون تجارت را تغییر دهد ضمانت او مشمول مقررات راجع به بروات تجاری نخواهد بود (ماده‌ی ۲۲۶ قانون تجارت). در ادامه به نظریات متعدد اداره حقوقی قوه قضائیه که به بیان تفاوت مذکور پرداخته‌اند اشاره خواهد شد:

- نظریه شماره ۴۴۰۷/۷ مورخ ۱۳۸۰/۵/۱۵ اداره حقوقی قوه قضائیه:

«ضمانت و ظهنروپسی در قانون تجارت دو مقوله‌ی جدای از هم می‌باشند. ظهنروپس با توجه به مقررات مواد ۲۴۵ تا ۲۴۷ و ۲۴۹ قانون تجارت، دارنده‌ی براتی است که در صدق انتقال برات به شخص دیگر می‌باشد و با ظهنروپسی برات، آن را به شخص موردنظر خود منتقل می‌نماید. ظهنروپس باید مراتب انتقال برات به شخص مورد نظر خود اعم از اینکه شخص مذکور، حامل باشد یا شخص معین، قید نماید. چنانچه منظور از منتقل‌الیه، شخص معینی باشد، باید اسم آن شخص را در محل معینی ذکر کند؛ در حالی که ضامن، کسی است که به طور مشخص ضمانت برات‌دهنده یا هر یک از ظهنروپس‌ها یا چند نفر از آنها را می‌نماید و مسؤولیت تضامنی او با فرد یا افرادی خواهد بود که ضمانت آنها را کرده است. با این وصف، وجود امضای هر شخص در پشت برات یا سفته یا چک، چنانچه شرایط ظهنروپسی را نداشته باشد عرفاً عنوان ضامن را خواهد داشت مگر اینکه تصریح شده باشد که امضای شخص مذکور، صرفاً به منظور تصدیق و گواهی امضای برات‌دهنده یا ظهنروپس یا مسائل دیگر است»^۱.

همچنین اداره حقوقی قوه قضائیه قبلاً در نظریه‌ی دیگری به شماره ۴۰۲۵/۷ مورخ ۱۳۷۷/۶/۱۷ در رابطه با تفاوت ضمانت و ظهنروپسی در اسناد تجاری گفته بود: «نوشتنی پشت اسناد تجاری خاص مانند برات، سفته و چک به سه صورت ممکن است به عمل آید: (۱) ظهنروپسی به منظور انتقال سند؛ (۲) ظهنروپسی به منظور وصول وجه که باید این منظور تصریح گردد؛ (۳) ظهنروپسی به منظور ضمانت صادرکننده یا یکی از ظهنروپسان ...؛ باید مشخص شود که امضای ظهنروپس متعلق به چه کسی است؛ اگر متعلق به دارنده‌ی قبلی سند باشد، ظهنروپسی و انتقال تلقی می‌گردد و اگر امضا متعلق به

۱- ابادری فومشی، منصور؛ مجموعه کامل نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه در مسائل حقوقی. چاپ نخست، تهران، انتشارات خط سوم، ۱۳۹۱، ص ۷۵۸.

شخص ثالث (غیر از صادرکننده و دارنده) باشد، ضمانت محسوب است»^۱.
به هر روی، مرور زمان‌های مندرج در قانون تجارت متوجه ظهن‌نویس به معنای خاص آن است و ضامن در هر حال مانند صادرکننده یا مضمون‌عنه، مسؤول پرداخت وجه سند است، چه به موقع واخواست شده باشد و چه واخواست نشده باشد.^۲

- نظریه شماره ۷/۱۹۵۰ مورخ ۱۳۷۲/۴/۲ اداره حقوقی قوه قضائیه:
امضای شخص ثالث در ظهر سفته و برات یا چک، عرفاً (یعنی در عرف تجار و کسبه) ضمانت پرداخت وجه آن توسط امضاکننده محسوب و طبق ذیل ماده ۲۴۹ و ماده ۳۱۴ قانون تجارت، موجب مسؤولیت تضامنی امضاکننده‌ی ظهر (سند) خواهد بود؛ لیکن ضامن، تنها با کسی مسؤولیت تضامنی دارد که از او ضمانت کرده است ...^۳.

- نظریه شماره ۷/۶۹۳۰ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۱ اداره حقوقی قوه قضائیه:
ماده‌ی ۶۹۸ قانون مدنی راجع به عقد ضمان موضوع ماده‌ی ۶۸۴ همان قانون است که با ضمانت در اسناد تجاری متفاوت است؛ بدین معنی که در ضمان مدنی، اصل بر انتقال دین یا نقل ذمه‌ی مدیون به ذمه‌ی ضامن می‌باشد در حالی که در اسناد تجاری، اصل بر مسؤولیت تضامنی است؛ زیرا یکی از امتیازات اسناد تجاری، مسؤولیت تضامنی مسؤولین آن می‌باشد که در ماده‌ی ۲۴۹ قانون تجارت بیان گردیده است و عبارت پایانی ماده‌ی مذکور که مقرر داشته: «... ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال‌علیه یا ظهن‌نویسی را کرده فقط با کسی مسؤولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است» تأکیدی بر همین معنی است؛ به عبارت دیگر، بر خلاف عقد ضمان مدنی، در اسناد تجاری اصل بر مسؤولیت تضامنی است مگر اینکه خلاف آن تصریح شده باشد؛ بنابراین در صورتی که پشت‌نویسی سفته به منظور ضمانت متعهد (وام‌گیرنده) انجام شده باشد موضوع مشمول ماده‌ی ۲۴۹ قانون تجارت است و از شمول ماده‌ی ۶۹۸ قانون مدنی خروج

۱- نوبخت، یوسف؛ اندیشه‌های قضایی (نظرات مشورتی قضاات دادگاه‌های حقوقی دو تهران). چاپ دوم، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۸، ص ۳۹۶.

۲- به نقل از: معاونت حقوقی و توسعه‌ی قضایی قوه قضائیه؛ مجموعه تنقیح شده و مقررات حقوقی قوه قضائیه، چاپ دوم، روزنامه رسمی کشور، زمستان ۱۳۸۶، زیرنویس ص ۱۳۳۴.

۳- کامیار (کارکن)، محمدرضا. گزیده آراء دادگاه‌های حقوقی تهران، ص ۴۸۸.

موضوعی دارد.^۱

همچنین یک نظریه‌ی مشورتی از سوی قضاات دادگستری تهران در تاریخ ۱۳۷۶/۴/۲۸ با اکثریت قریب به اتفاق آرا صادر گردیده است که بدین شرح است:

«سؤال: اگر شخص ثالثی ظهر سفته یا برات یا چک را امضا کند، رویه‌ی محاکم در مورد مسؤولیت او (تضامن یا عدم تضامن) چیست؟

جواب: مطابق مواد ۳۰۹ و ۳۱۴ قانون تجارت، مقررات مربوط به برات، از حیث مسؤولیت صادرکننده و ظهن نویس‌ها و اعتراض و اقامه‌ی دعوا و ضمان و غیر آن، در مورد چک و سفته نیز لازم‌الرعایه است و هر سه موضوع سؤال حکم واحد دارند.^۲

ظهن نویسی طبق مواد ۲۴۵، ۲۴۶ و ۲۴۷ همان قانون حاکی از انتقال برات است؛ به عبارت دیگر، دارنده‌ی برات، حقوق خود را با ظهن نویسی به دیگری منتقل می‌کند که در این صورت مسؤولیت او به عنوان ظهن نویس با ظهن نویس‌های قبل و صادرکننده‌ی برات، تضامنی است.

شخص ثالثی که ظهر سفته یا برات یا چک را امضا می‌کند و عمل او حاکی از انتقال حقوق مربوط به این اسناد نباشد، ظهن نویس به مفهوم مقرر در قانون تجارت نیست؛ بلکه «ضامن» محسوب می‌شود و طبق قسمت اخیر مواد ۲۴۹ و ۴۰۳ قانون تجارت، فقط با کسی که از او ضمانت نموده است مسؤولیت تضامنی دارد.

در موارد تردید راجع به اینکه امضای ظهن اسناد مذکور، ظهن نویسی است یا ضمانت، اصل بر ظهن نویسی است مگر آنکه (ضمانت) با دلایل ثابت شود.^۳

ب) مسائل مطرح در رویه‌ی قضایی

۱) لزوم تفکیک ضمانت از ظهن نویسی

یکی از مسائل مهمی که دادگاه‌های حقوقی در باب دعاوی مربوط به اسناد تجاری با آن مواجه هستند تشخیص ضمانت از ظهن نویسی است. تفکیک این دو دارای محاسن و آثار عملی نیز می‌باشد.

۱- همان؛ ص ۴۹۰.

۲- همان؛ ص ۱۴۱.

۳- به نقل از: معاونت قضایی پژوهش‌های علمی دادگستری استان تهران؛ مجموعه دیدگاه‌های قضایی قضاات دادگستری تهران، چاپ اول، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۳۱۲.

مطابق ماده‌ی ۳۱۵ قانون تجارت: «اگر دارنده‌ی چک در ظرف مواعد مذکور در این ماده، پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوای او علیه ظهنروپس مسموع نخواهد بود...».

چنانکه ملاحظه می‌شود قانون‌گذار، ضمانت اجرای عدم رعایت مواعد را عدم مراجعه‌ی دارنده به ظهنروپس دانسته و راجع به عدم مراجعه به ضامن، سکوت کرده است؛ هرچند تا قبل از سال ۷۴ برخی از دادگاه‌ها ضمانت اجرای مورد بحث را ناظر به ضامن نیز می‌دانستند اما بعد از صدور رأی وحدت رویه‌ی ۵۹۷ - ۱۳۷۴/۰۲/۱۲، این اختلاف از بین رفت و هیأت عمومی دیوان عالی کشور در این رأی اعلام کرد رعایت هیچ یک از مواعد مذکور در مورد مراجعه به ضامن الزامی نیست.

این تفاوت بین ضمانت و ظهنروپسی، زمانی خودش را به روشنی نشان می‌دهد که خواهان (دارنده‌ی سند) به یک یا هر دو تکلیف فوق عمل ننموده باشد؛ به همین دلیل تلاش می‌کند برای دادگاه اثبات کند که امضاکننده، ظهر سند را به عنوان ضامن امضا کرده است نه ظهنروپس و بر عکس.

یکی دیگر از آثار مزبور، آن است که هرچند اصل استقلال امضاها اقتضا دارد که زایل شدن مسؤولیت یکی از امضاکنندگان تأثیری در مسؤولیت سایر امضاکنندگان سند نداشته باشد اما زایل شدن مسؤولیت مضمون‌عنه به صورت قبلی، باعث برائت ذمه‌ی ضامن او نیز می‌شود. این امر نه تنها از ماهیت عقد ضمانت که جزء عقود تبعی است استنباط می‌گردد بلکه به صراحت از قسمت پایانی ماده‌ی ۲۴۹ قانون تجارت که اشعار می‌دارد «... ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال‌علیه یا ظهنروپس را کرده فقط با کسی مسؤولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است» نیز استفاده می‌شود.

یکی از نتایج وصف تبعی ضمانت، این است که اگر دارنده، به هر دلیلی حق مراجعه به مضمون‌عنه را نداشته باشد به تبع آن نیز حق رجوع به ضامن را ندارد. در موضوع بحث حاضر اگر در فرضی امضاکننده‌ی سند تجاری، ظهنروپس تلقی شود می‌توان به او مراجعه کرد در حالی که اگر او ضامن دانسته شود نمی‌توان به او رجوع کرد.^۱

۱- آموزگار، مریم‌السادات؛ مشکلات حقوقی وثیقه‌گذاران اسناد تجاری، فصلنامه فقه و حقوق خانواده، شماره ۲۱ و

۲۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰، ص ۶۸

۲) لزوم رعایت مهلت در دعوا علیه ظهنرنویس و عدم شمول آن نسبت به ضامن
 قانون تجارت در ماده‌ی ۳۱۵ مقرر می‌دارد: «اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد دارنده‌ی چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور، وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه‌ی دیگر ایران صادر شده باشد، باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود. اگر دارنده‌ی چک در ظرف مواعد مذکور در این ماده، پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوای او علیه ظهنرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود، دعوای دارنده‌ی چک علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست».

همچنین طبق ماده‌ی ۳۱۷ قانون تجارت: «مقررات راجعه به چک‌هایی که در ایران صادر شده است در مورد چک‌هایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد لکن مهلتی که ظرف آن دارنده‌ی چک می‌تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است».

ملاحظه می‌گردد که مطابق مقررات مذکور در قانون تجارت، مهلت مراجعه‌ی دارنده به بانک جهت حفظ حقوق ناشی از سند، با توجه به محل صدور و محل پرداخت معلوم می‌شود. طبق رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۵۳۶ مورخ ۶۹/۷/۱۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، گواهی بانک محال علیه دایر بر عدم تأدیه‌ی وجه چک که در مدت پانزده روز به بانک مراجعه شده به منزله‌ی واخواست می‌باشد؛ لذا تاریخ مراجعه، همان تاریخ تنظیم گواهی عدم پرداخت بانک است. مطابق رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۵۹۷-۷۴/۲/۱۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مهلت مقرر در ماده ۲۸۶ قانون تجارت جهت استفاده از حقی که ماده ۲۴۹ قانون تجارت برای دارنده‌ی سند تجاری منظور کرده، ناظر به طرح دعوا علیه ظهنرنویس ظرف مهلت یک سال از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت است و ناظر به شخصی که به عنوان ضامن، ظهر چک را امضا کرده و یا به هر تقدیر ضمانت وی از صادرکننده احراز گردیده است، نمی‌باشد.

۳) رفع تعارض بین مواد ۳۱۴ و ۳۱۵ قانون تجارت

ماده‌ی ۳۱۴ قانون تجارت، ضمانت ظهنرنویس راجع به برات را شامل چک نیز دانسته است که با عنایت به مواد ۲۴۹ و ۲۸۶ قانون مذکور، مهلت یک ساله جهت اقامه‌ی دعوا با مهلت ۱۵ روزه‌ی مقرر در ماده‌ی ۳۱۵ قانون مذکور از لحاظ ظاهری تناقض دارد.

به نظر می‌رسد این امر صرفاً در ظاهر مواد بوده و با دقت نظر می‌توان عنوان نمود که هیچ تناقضی بین مواد مزبور مشاهده نمی‌گردد. کمیسیون قضایی قوه قضائیه نیز در نشست ۸ جزایی خود در این رابطه این گونه اظهار نظر نموده است:

«با مذاقه در مقررات مواد ۳۱۵ و ۲۸۶ قانون تجارت، تناقضی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا ماده‌ی ۳۱۵ قانون تجارت در خصوص مهلت مراجعه‌ی دارنده‌ی چک به بانک است که اگر ظرف ۱۵ روز برای مطالبه‌ی وجه چک به بانک مراجعه ننماید دیگر حق مراجعه به ظهنروپس را ندارد؛ حال اگر در ظرف مهلت مقرر به بانک مراجعه و به هر علت گواهی عدم پرداخت دریافت کرد با توجه به مقررات ماده‌ی ۳۱۴ قانون تجارت که مسؤولیت ظهنروپسان چک را با برات یکی دانسته، اگر دارنده‌ی چک در ظرف موعده مقرر به بانک مراجعه و گواهی عدم پرداخت دریافت نماید طبق مقررات ماده‌ی ۲۸۶ ظرف یک سال حق اقامه‌ی دعوی علیه ظهنروپس را خواهد داشت»^۱.

۴) قابلیت مطالبه‌ی خسارات تأخیر تأدیه از ضامن و ظهنروپس

از سوی جمعی از قضات دادگستری سؤالی مطرح گردید بدین شرح که: با توجه به مقررات مواد ۲۴۹ و ۳۱۴ و ۳۱۵ قانون تجارت و ماده‌ی ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، آیا دعوای مطالبه‌ی خسارت تأخیر تأدیه علیه ضامن و ظهنروپسان چک، قابل استماع می‌باشد یا خیر؟

در جواب چنین استدلال شد که: تبصره‌ی الحاقی به ماده‌ی ۲ قانون صدور چک مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر می‌دارد: «دارنده‌ی چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه‌ی خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه‌ی وی متحمل شده است اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارنده‌ی چک، جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده‌ی حکم تقدیم نماید».

با توجه به صراحت این مقرر مبنی بر قابلیت مطالبه‌ی خسارت از صادرکننده‌ی چک

۱- معاونت آموزش قوه قضائیه؛ مجموعه نشست‌های قضایی: «مسائل آیین دادرسی مدنی دو»، چاپ نخست، تهران، انتشارات جنگل (جاودانه)، ۱۳۸۷، صص ۱۰۲-۱۰۱.

و عدم ذکر ضامن و ظهننویس، در پاسخ به سؤال مطروحه‌ی فوق، اکثریت قضاات با استدلال‌های زیر، آن را قابل مطالبه نمی‌دانند:

- مراد از صادرکننده، در عرف حقوقی مشخص است و ضامن و ظهننویس را نمی‌توان صادرکننده نامید.

- دریافت خسارت تأخیر تأدیه از صادرکننده‌ی چک، یک استثنا است که قانون‌گذار فقط در مورد چک، آن هم در مورد صادرکننده محدود نموده است.

- تبصره‌ی ۲ الحاقی ماده‌ی ۲، بر حسب ضرورت زمان و حسب مصلحت، خسارات را صرفاً از صادرکننده قابل مطالبه دانسته است و اگر می‌خواست آن را گسترش دهد باید کلیه‌ی مسؤولین چک را مقرر می‌نمود، که در حال حاضر نمی‌توان آن را گسترش داد. اقلیت قضامندان که معتقد به شمول پرداخت خسارت نسبت به ضامن و ظهننویس هستند این‌گونه استدلال می‌نمایند:

- چون ضامن و ظهننویس، چک را امضا کرده‌اند، مسؤولیت نام‌برندگان تماماً همان مسؤولیت صادرکننده است.

- با عنایت به ماده‌ی ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، صدور حکم در مورد ظهننویس و ضامن بلامانع است.

کمیسیون آموزش قوه‌ی قضائیه در نشست قضایی خود نظر اکثریت را تأیید نموده است.^۱

از سوی دیگر، نظریه مشورتی شماره ۸۸۸۱/۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۶ اداره حقوقی قوه قضائیه، بر امکان مطالبه خسارات از ضامن و ظهننویس تأکید دارد: «با توجه به ماده‌ی ۲۴۹ قانون تجارت در خصوص مسؤولیت تضامنی متعهدین برات و ماده‌ی ۳۱۴ همان قانون که تصریح نموده، مقررات راجع به بروات در خصوص ضمانت صادرکننده و ظهننویس‌ها و اقامه‌ی دعوای ضمان شامل چک نیز می‌شود و همچنین با توجه به ماده‌ی ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ که امکان مطالبه‌ی خسارت را در دعاوی که موضوع آنها دین و از نوع وجه رایج باشد با شرایطی مقرر داشته است، در فرض استعلام، با تحقق شرایط مذکور در مقررات

۱- همان؛ صص ۲۱۲-۲۱۰.

مربوط (مانند گواهی عدم پرداخت ظرف پانزده روز از بانک محال علیه که در ماده ی ۳۱۵ قانون تجارت مقرر گردیده)، دارنده ی چک می تواند خسارات تأخیر تأدیه را از کلیه ی مسؤولین سند اعم از صادرکننده، ضامن و ظهن نویس حسب مورد مطالبه نماید».

۵) لزوم یا عدم لزوم تودیع خسارت احتمالی در مورد تأمین خواسته ی چکی که بعد از ۱۵ روز برگشت خورده است

یکی از مسائل مبتلا به در دادگاه های ایران، لزوم یا عدم لزوم پرداخت خسارت احتمالی در مورد تأمین خواسته ی چک می باشد. اکثریت قضاوت بر مبنای رأی وحدت رویه ی شماره ی ۵۳۶ - ۱۳۶۹/۷/۱۰ و ماده ی ۳۱۵ قانون تجارت، معتقدند که چک هایی که در همان محل صدور، باید پرداخت شود، می بایست ظرف مهلت پانزده روز منجر به صدور گواهی عدم پرداخت گردند؛ در غیر این صورت دادگاه می بایست نسبت به اخذ تأمین مناسب اقدام نماید. به نظر این گروه، در رأی وحدت رویه ی فوق الذکر نسبت به اخذ گواهی عدم پرداخت ظرف مهلت پانزده روزه تصریح شده است؛ اگرچه این مهلت جهت رجوع به ظهن نویسان مقرر گردیده است اما در همان رأی صراحتاً قید گردیده است که «گواهی بانک محال علیه دایر به عدم تأدیه وجه چک که در مدت ۱۵ روز به بانک مراجعه شده به منزله ی واخواست می باشد...»؛ لذا تنها در این فرض، عنوان صحیح واخواست بر گواهی عدم پرداخت قید می گردد.^۱

همان طور که مشاهده می شود مستند دادگاه محترم مبنی بر لزوم اخذ گواهی عدم پرداخت چک ظرف پانزده روز از تاریخ صدور، رأی وحدت رویه ی شماره ی ۵۳۶ هیأت عمومی دیوان عالی می باشد؛ اما رأی فوق به دلایل زیر در این خصوص قابل استفاده نمی باشد:

الف) اصل و قاعده ی اولیه در این خصوص آن است که اسناد تجاری واخواست شده از امتیاز اخذ قرار تأمین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی برخوردار می باشند. قانون گذار در هیچ یک از مواد، به لزوم پرداخت خسارت احتمالی در مورد اسناد تجاری اشاره ننموده است و ماده ی ۲۹۲ قانون تجارت نیز صرفاً به «براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده» اشاره نموده است و مهلتی برای آن قایل نشده است.

۱- سیداحمدی سجادی، سیدعلی؛ تضامن در اسناد تجاری، مجله مجتمه آموزش عالی قم، شماره ۱۴، ۱۳۸۱، ص ۱۰۶.

قانون‌گذار در ماده‌ی ۲۸۰ قانون تجارت، مهلت ده روزه را برای واخواست برات تعیین نموده و نتیجه‌ی عدم رعایت مهلت فوق را صرفاً عدم امکان استفاده از برخی امتیازات از قبیل حق رجوع به ظهن‌نویسان دانسته است و در مورد امتیاز اخذ تأمین خواسته سخنی به میان نیاورده است.

ب) یکی از اصول تفسیر قوانین، رجوع به مشروح مذاکرات تدوین‌کنندگان و تصویب‌کنندگان قانون می‌باشد. در مورد رأی وحدت رویه نیز با مراجعه به دستور جلسه و اختلاف منشأ که منجر به تشکیل جلسه‌ی هیأت عمومی و صدور رأی وحدت رویه گردیده است مفید می‌باشد. موضوع جلسه‌ی رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۵۳۶ نیز اخذ تصمیم در رابطه با کفایت گواهی عدم پرداخت با واخواست جهت مراجعه به ظهن‌نویس می‌باشد. شعبه‌ی دهم دیوان عالی کشور، گواهی بانک محال‌علیه را به جای واخواست قابل قبول ندانسته اما شعبه‌ی ششم دیوان عالی کشور، معتقد به عدم لزوم واخواست در مورد چک بوده است؛ لذا موضوع در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح و به شرح سابق‌الذکر منجر به صدور رأی گردیده است.

نکته حایز اهمیت در این خصوص آن است که رأی هیأت عمومی صرفاً در رابطه با موضوع جلسه یعنی «در حکم واخواست دانستن گواهی عدم پرداخت» جهت مراجعه به ظهن‌نویس می‌باشد؛ لذا آنچه دیوان عالی کشور می‌توانست اظهارنظر کند صرفاً امکان جایگزینی گواهی عدم پرداخت با واخواست می‌باشد و ذکر مطالب و احکام دیگر از جمله مهلت، از حیثه‌ی صلاحیت موضوعی دیوان خارج است و به هیچ وجه لازم‌الاتباع نمی‌باشد؛ زیرا دیوان در مورد موضوعی اظهارنظر کرده که از حیثه‌ی صلاحیت او خارج است و به تبع آن برای محاکم نیز لازم‌الاتباع نمی‌باشد. رأی دیوان را نیز می‌بایست با امعان نظر به این موضوع تفسیر نمود.^۱

ج) مهلت‌های مقرر در ماده‌ی ۳۱۵ قانون تجارت، در مورد مسؤولیت ظهن‌نویس است و در ماده‌ی ۲۹۲ قانون نیز مهلت ذکر نگردیده است. رأی وحدت رویه که در مقام بیان و تفسیر ماده‌ی ۳۱۵ قانون تجارت می‌باشد نیز صرفاً در مورد مهلت مقرر در این ماده

۱- نیک‌فرجام، کمال؛ مطالعه تطبیقی نمایندگی در امضای اسناد تجاری (سفته، برات و چک)، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۹۳.

قابل ترتیب اثر است و قابل تعمیم به بحث تأمین خواسته نیست؛ لذا النهایه می‌توان عنوان نمود که مستند به ماده‌ی ۳۱۵ و رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۵۳۶ و نظریه‌ی مشورتی شماره‌ی ۳۲۹۷ - ۱۳۸۸/۵/۲۸ اداره‌ی حقوقی، صدور قرار تأمین خواسته صرفاً نسبت به ظهنروپس نیازمند تودیع خسارت احتمالی است اما در مورد صادرکننده، حکم قانون‌گذار مطلق می‌باشد.

گفتار دوم) رویه‌ی قضایی در رابطه با وضعیت ظهنروپسی اسناد تجاری (چک)

در این گفتار تلاش شده است که وضعیت ظهنروپسی اسناد تجاری (چک) در آرای وحدت رویه‌ی دیوان عالی کشور، آرای دادگاه‌های حقوقی تهران و نظریات مشورتی اداره‌ی حقوقی قوه قضائیه به تفکیک مورد اشاره و تحلیل قرار گیرند.

۱) آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور در رابطه با ظهنروپسی اسناد تجاری (چک)

الف) رأی وحدت رویه الف ۱۲ مورخ ۱۳۴۱/۷/۱ (شماره ۲۳۳۱ مورخ ۱۳۴۱/۸/۵) هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با اطلاق ماده‌ی ۲۴۹ قانون تجارت که برات‌دهنده و قبول‌کننده‌ی برات و ظهنروپس‌ها را در مقابل دارنده‌ی برات متضامناً مسؤول شناخته و حق مراجعه و اقامه‌ی دعوی علیه هر کدام از آنها را بدون رعایت ترتیب، از حیث تاریخ برای دارنده‌ی برات محفوظ داشته است و با توجه به مدلول مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون مزبور که مدت اقامه‌ی دعوا از طرف دارنده‌ی برات را سه ماه و شش ماه (مواعد مذکور به موجب قانون اصلاحی ۱۳۵۸/۱۰/۲۶ قانون تجارت به ترتیب به یک سال و دو سال افزایش یافته است) از تاریخ اعتراض عدم پرداخت برات تعیین نموده است و با عنایت به مفاد ماده‌ی ۲۸۸ همان قانون که شرط استفاده از حقی را که در ماده‌ی ۲۴۹ قانون تجارت به ظهنروپس‌ها داده شده است به رعایت مواعد مقرر در مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت از تاریخ اعتراض موکول و شروع مرور زمان مدت‌های مزبور را از فردای ابلاغ احضاریه‌ی محکمه به او و همچنین در صورت تأدیه‌ی وجه برات به دارنده‌ی آن بدون اینکه علیه او اقامه‌ی دعوا شده باشد موعد را از فردای روز تأدیه قرار داده است.

بدیهی است که اشاره و منظور ماده‌ی ۲۸۹ این قانون به مواعد مقرر در مواد فوق، مواعد مذکور مورد بحث بوده است و ناظر بر ده روز ارسال اظهارنامه رسمی و یا نامه‌ی سفارشی دو قبضه‌ی مذکور در مواد ۲۸۴ و ۲۸۵ قانون تجارت نمی‌باشد. علی‌هذا، عدم ارسال اظهارنامه‌ی رسمی یا مراسله‌ی سفارشی دو قبضه به واگذارنده‌ی برات یا اطلاع‌نامه از طرف ظهنروپس به ظهنروپس سابق خود، نمی‌تواند موجب اسقاط حق اقامه‌ی دعوای دارنده‌ی برات بر واگذارنده و ظهنروپس‌ها و همچنین هر ظهنروپس به ظهنروپس سابق خود گردد.^۱

ب) رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ مورخ ۱۳۷۴/۲/۱۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور «مهلت یک سال مقرر در ماده‌ی ۲۸۶ قانون تجارت جهت استفاده از حقی که ماده‌ی ۲۴۹ این قانون برای دارنده‌ی برات و یا ظهنروپس منظور نموده، در مورد ظهنروپس به معنای مصطلح کلمه بوده و ناظر به شخصی که ظهر سفته را به عنوان «ضامن» امضا نموده است، نمی‌باشد».^۲

۲) مواردی از آرای دادگاه‌های حقوقی تهران در رابطه با ظهنروپسی اسناد تجاری (چک)

الف) مطابق دادنامه شماره ۱۳۶ مورخ ۱۳۶۹/۴/۱۶ شعبه‌ی ۳۳ دادگاه حقوقی یک تهران که طی دادنامه شماره ۱۰۰/۱۷ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۲۵ مورد تنفیذ شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور قرار گرفته است، اسناد تجاری که چک نیز از جمله‌ی آنها می‌باشد به صرف ظهنروپسی، قابل انتقال بوده و تردید در امضات ظهنروپسان، فاقد وجاهت قانونی است.^۳

۱- ساسان نژاد، امیرهوشنگ؛ مجموعه کامل قوانین و مقررات چک، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۲.

۲- به نقل از: معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه؛ مجموعه تنقیح شده و مقررات حقوقی قوه قضائیه، زیرنویس ص ۱۳۴۴.

۳- به نقل از: بازگیر، یداله؛ مجموعه‌ی سه، آرای دیوان عالی کشور در امور حقوقی، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۷، ص ۵۲.

ب) شعبه‌ی ۲۸ دادگاه حقوقی یک تهران مطابق دادنامه‌های صادره به شماره‌های ۳۸۸ و ۳۸۹ مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۰، ایرادات مربوط به سند تجاری چک را تنها میان صادرکننده‌ی چک و دارنده‌ی اولیه‌ی آن قابل استماع دانسته است: «... چون خواهان دعوای اصلی، دارنده‌ی اولیه‌ی چک (مورد دعوا) نبوده بلکه این چک از طریق ظهنروپسی به وی واگذار شده است لذا به لحاظ عدم وجود رابطه‌ی پایه‌ای یا معاملاتی بین وی و صادرکننده‌ی چک و وجود رابطه‌ی برواتی بین آنان، ایرادات و اعتراضات صادرکننده‌ی چک (خواننده‌ی دعوای اصلی) اگرچه در مقابل دارنده‌ی اولیه‌ی آن قابلیت طرح و عنوان و توجه را داشته است ولی در مقابل خواهان دعوای اصلی با توجه به مجموع مقررات اسناد تجاری قانون تجارت، قابل استناد نبوده و در نتیجه مدافعات وی در زمینه‌ی چگونگی صدور چک مستند دعوا و معامله‌ای که چک مذکور در رابطه با آن صادر گردیده و عدم استحقاق دارنده‌ی اولیه در انتقال چک مورد بحث به خواهان در دعوای اصلی، مؤثر در مقام نبوده و قابلیت توجه و ترتیب اثر را نداشته و رافع مسؤولیت وی در قبال خواهان دعوای اصلی نمی‌باشد...؛ بنابراین دادگاه دعوای خواهان اصلی را وارد و موجه تشخیص و ... حکم به محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ... ریال (وجه چک) در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید...»^۱.

ج) شعبه‌ی دوم دادگاه حقوقی یک تهران مطابق دادنامه شماره ۵۶۲۳ مورخ ۱۳۷۳/۹/۲۸، لازمه‌ی سرعت در اسناد تجاری را غیر قابل استناد بودن ایرادات نسبت به اسناد تجاری دانسته است: «... در خصوص دعوای آقای ... به شرح دادخواست تقدیمی مطالبه‌ی مبلغ دو میلیون و پانصد هزار ریال به استناد یک فقره چک با احتساب خسارت دادرسی می‌باشد...؛ با عنایت به اینکه مدافعات وکیل خواننده در جلسه‌ی دادرسی مبنی بر اینکه چک مستند دعوا به انضمام دو فقره چک دیگر بابت معامله و بیع فاسد در اختیار شخصی به نام فیروز قرار گرفته که علیه نامبرده و فروشندگان اولیه‌ی شکایت کیفری اقامه شده و پس از صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست علیه فروشندگان اولیه‌ی پرونده‌ی امر در شعبه ۱۷۷ دادگاه کیفری دو تهران در جریان رسیدگی قرار دارد و شخص یاد شده که دارنده‌ی چک مستند دعوا بوده به لحاظ فاسد

۱- به نقل از: همان؛ ص ۵۳.

بودن بیع نمی‌توانسته چک مذکور را به خواهان این دعوا منتقل نماید و بدین لحاظ موکل وی از بابت چک مذکور هیچ‌گونه بدهی نداشته و خواهان، استحقاق مطالبه‌ی وجه آن را از موکلش ندارد، موجه نمی‌باشد؛ زیرا هرچند وکیل خواهان در توضیحات بعدی خود منکر دریافت چک مستند دعوا از شخص نامبرده گردیده و مدعی شده که چک مذکور از طرف شخص دیگری به موکلش منتقل گردیده است ولی آنچه که از مراتب ادعای وکیل خوانده و توضیحات بعدی وکیل خواهان احراز می‌گردد این است که چک مستند دعوی بدو از طرف خوانده به نام خواهان و به حساب وی صادر نگردیده بلکه خوانده، این چک را در وجه شخص دیگری صادر نموده و متعاقباً این چک از طرف دارنده‌ی آن به خواهان واگذار شده است و به این ترتیب خواهان، دارنده‌ی اولیه‌ی چک مستند دعوا نمی‌باشد و چون بین خواهان و خوانده فقط رابطه‌ی برواتی برقرار بوده و لزوم سرعت و اطمینان در تجارت ایجاب می‌نماید که دارنده‌ی اسناد تجاری که از طرف غیر صادرکننده‌ی آن به وی منتقل گردیده در مقابل کلیه‌ی ایرادات صادرکننده‌ی آن مصون باشد و به عبارت دیگر، در مقابل چنین اشخاصی ایرادات صادرکننده‌ی اسناد تجاری غیرقابل استناد باشد و فقط بین صادرکننده‌ی اسناد تجاری و دارنده‌ی اولیه‌ی آنها که رابطه‌ی پایه‌ای و معاملاتی برقرار بوده کلیه‌ی ایرادات صادرکننده‌ی اسناد تجاری در مقابل دارنده‌ی اولیه‌ی آنها قابلیت استناد و رسیدگی را خواهد داشت و بین خواهان و خوانده هیچ‌گونه رابطه‌ی پایه‌ای و معاملاتی وجود ندارد؛ لذا به فرض اینکه چک مستند دعوا بابت معامله‌ی فاسدی به دارنده‌ی اولیه‌ی آن تسلیم شده باشد این امر هیچ‌گونه خلل و خدشه‌ای به حقوق خواهان دعوا وارد نساخته و مشارالیه به هر حال استحقاق مطالبه‌ی وجه چک را داشته و خوانده قانوناً ملزم به پرداخت وجه چک به مشارالیه می‌باشد و اگر نامبرده برای خود مدعی حقی در خصوص مورد باشد می‌تواند به دارنده‌ی اولیه‌ی آن مراجعه و در مقام استیفای حقوق خود برآید؛ بنابراین مدافعات وکیل خوانده، موجه نبوده و پرونده‌ی کیفری استنادی وی به لحاظ عدم تأثیر در قضیه، قابلیت توجه و رسیدگی را ندارد؛ بنابه مراتب، دادگاه با احراز حقانیت خواهان، دعوای مطروحه را ثابت و موجه تشخیص داده و به استناد ماده‌ی ۳۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی، حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ دو میلیون و پانصد هزار ریال وجه بابت اصل خواسته و ... در حق

خواهان صادر و اعلام می‌نماید.^۱

د) شعبه‌ی ۶۵ دادگاه حقوقی دو تهران طی دادنامه شماره ۸۰۱ مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۱۵ لازمه‌ی حفظ اعتبار اسناد تجاری را مصون بودن از هرگونه ایراد دانسته است: «واخواهی وخواه نسبت به دادنامه شماره ۸۷۳ صادره از این شعبه بدین توضیح که چک امانت در اختیار فردی به نام غلامحسین ... بوده و بابت محل آنها هیچ بدهی نداشته است، از نظر دادگاه وارد نیست؛ زیرا با توجه به اینکه دارنده‌ی چک موضوع دادخواست اصلی، غیر از غلامحسین ... است نتیجتاً رابطه‌ی میان خواهان (هادی ...) و خوانده (فرهاد ...) رابطه‌ی ناشی از اسناد تجاری و رابطه‌ی برواتی است و بنابراین در چنین رابطه‌ای اسناد تجاری مصون از ایراد بوده و نسبت به اشخاص ثالث با حسن نیت نمی‌توان به ایرادات استناد کرد. ماده‌ی ۲۴۹ قانون تجارت، مسؤلیت صادرکننده را بدون هیچ قید و شرطی مقرر کرده است و از نظر اصول حاکم بر اسناد تجاری، حداقل در روابط صادرکننده و افراد ثالث با حسن نیت، لازمه‌ی حفظ اعتبار سند تجاری، مصون بودن از هر گونه ایراد است. اگرچه در روابط میان صادرکننده و دارنده‌ی اولیه (غلامحسین ...) این ایرادات مسموع و قابل رسیدگی است لکن در پرونده‌ی حاضر، دعوایی میان صادرکننده‌ی چک و دارنده‌ی اصلی مطرح نیست تا دادگاه وارد ماهیت ایرادات و وارد بودن یا وارد نبودن آنها شود. با این اوصاف دادگاه وخواهی وخواه را رد می‌نماید ...»^۲.

۳) نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در رابطه با وضعیت ظهن‌نویسی اسناد تجاری (چک)

الف) آیا برای امکان اقامه‌ی دعوا علیه ظهن‌نویس سفته باید وخواست‌نامه علاوه بر متعهد به ظهن‌نویس نیز ابلاغ شود؟

پاسخ مورخ ۱۳۵۰/۸/۵ کمیسیون مشورتی به سؤال مذکور: با توجه به رأی لازم‌الاتباع شماره ۲۳۳۱ مورخ ۱۳۴۱/۸/۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و مواد ۲۴۹، ۲۸۶، ۲۸۷،

۱- به نقل از: همان؛ ص ۵۵.

۲- به نقل از: همان؛ صص ۱۶۳-۱۶۲.

۲۹۴ و به خصوص ماده‌ی ۲۹۳ قانون تجارت، برای مطالبه‌ی وجه از ظهنرنویس، ابلاغ و اخواست‌نامه به متعهد کافی است و به هیچ‌وجه لازم نیست این و اخواست‌نامه به ظهنرنویس نیز ابلاغ شود تا دعوا علیه او قابل پذیرش باشد.^۱

ب) نظریه مورخ ۱۳۴۳/۲/۱۲ اداره حقوقی قوه قضائیه، در رابطه با امکان مطالبه وجه چک از ظهنرنویس بدون ارسال و اخواست:

سؤال: با توجه به ماده ۳۱۴ قانون تجارت، آیا برای امکان مراجعه‌ی دارنده‌ی چک به ظهنرنویس، و اخواست آن (مانند و اخواست برات و سفته) الزامی است یا خیر؟
پاسخ: و اخواست مقرر در قانون تجارت در مورد بروات به منظور احراز نکول محال علیه است تا پس از تحقق نکول، دارنده‌ی مجاز و محق، برای مراجعه به صادرکننده یا ظهنرنویس و یا به همه‌ی آنها مجتمعاً باشد و در مورد چک، مستفاد از ذیل ماده ۳۱۵ قانون تجارت، گواهی عدم پرداخت بانک، ملاک تحقق نکول بوده و به استناد آن می‌توان بر ظهنرنویس اقامه‌ی دعوا نمود.^۲

ج) نظریه شماره ۳۸۲۱/۷ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۸ اداره حقوقی قوه قضائیه در رابطه با عدم نیاز به ارسال اظهارنامه برای امکان اقامه‌ی دعوا علیه ظهنرنویس چک: «اقامه‌ی دعوا علیه ظهنرنویس چک با توجه به مواد ۳۱۵، ۲۸۶ و ۲۴۹ قانون تجارت باید به عمل آید و با فرض قبول گواهی عدم پرداخت به جای و اخواست‌نامه، اقامه‌ی دعوا علیه ظهنرنویس ظرف مهلت یک سال مقرر در ماده‌ی ۲۸۶ اصلاحی قانون تجارت بلااشکال است و نیازی به ارسال اظهارنامه نیست».^۳

۱- ساسان‌نژاد، امیرهوشنگ؛ مجموعه کامل قوانین و مقررات چک، ص ۲۰۲.

۲- همان؛ ص ۱۹۱.

۳- به نقل از: معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه؛ مجموعه تنقیح شده و مقررات حقوقی قوه قضائیه، زیرنویس ص ۱۳۴۴.

نتیجه

ظهرنویسی، نوشتن عبارت یا عباراتی است بر پشت سند، که مبین انتقال حق مندرج در سند مزبور و مثبت آن است. وصف قابلیت انتقال اسناد تجاری از جمله چک، مبین آن است که هر بار ظهرنویسی و انتقال چک، موجب افزایش اعتبار این سند تجاری می‌شود؛ زیرا افراد بیشتری در قبال پرداخت وجه سند، مسؤولیت تضامنی پیدا می‌کنند.

وصف تجریدی بودن اسناد تجاری نیز منجر به آن می‌شود تا تعهد ظهرنویس، مستقل از تعهد صادرکننده‌ی سند تجاری باشد و در برابر دارنده‌ی سند تجاری از جمله چک، نتوان به ایرادات زمان صدور آن سند استناد نمود.

با توجه به ماده‌ی ۳۰۴ آن قانون، دارنده‌ی چک به شرط رعایت مقررات مباحث نهم و دهم از باب چهارم قانون تجارت راجع به حقوق و وظایف دارنده‌ی برات و صدور گواهی عدم پرداخت، بدون رعایت حفظ ترتیب و تقدّم و تأخّر و به هر نحو که مایل باشد می‌تواند به یکایک ظهرنویسان چک مذکور مراجعه و وجه مندرج در سند را به انضمام وجوه و سایر خسارات متعلقه‌ی قانونی مطالبه کند. اصل تضامن در اسناد تجاری نیز همسو با این امر، مبین امکان مطالبه‌ی وجه چک از هر یک از ظهرنویسان یا همگی آنها به شکل تضامنی می‌باشد.

تفکیک ظهرنویسی از ضمانت دارای آثار عملی می‌باشد؛ زیرا مطابق ماده‌ی ۳۱۵ قانون تجارت، عدم رعایت مهلت ۱۵ روزه در برگشت چک و عدم رعایت مهلت یک ساله در اقامه‌ی دعوا علیه ظهرنویس، منجر به عدم مسؤولیت او می‌گردد؛ حال آنکه مسؤولیت ضامنین چک باقی می‌باشد. مهلت ۱۵ روزه‌ی مذکور در این ماده با مهلت یک ساله مندرج در مواد ۲۴۹ و ۲۸۶ قانون تجارت تعارضی نداشته بلکه مهلت ۱۵ روزه در مورد صدور گواهی عدم پرداخت و مهلت یک ساله در مورد اقامه‌ی دعوا پس از آن می‌باشد. همچنین با توجه با آخرین نظریات مشورتی و نص رأی وحدت رویه شماره ۵۳۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و دکترین موجود، مهلت ۱۵ روزه جهت برگشت چک صرفاً در مورد صدور تأمین خواسته نسبت به ظهرنویس منشأ اثر بوده و در مورد صادرکننده، دادگاه می‌بایست بدون أخذ خسارت احتمالی نسبت به صدور تأمین خواسته اقدام نماید. همچنین بررسی آخرین نظریات مشورتی و نشست‌های قضایی و اصول حقوقی، مؤید آن است که دارنده‌ی چک می‌تواند خسارات تأخیر تأدیه را از کلیه‌ی مسؤولین سند اعم از صادرکننده، ضامن و ظهرنویس حسب مورد مطالبه نماید.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها

- ۱- اسکینی، ربیعا؛ حقوق تجارت، اسناد تجاری، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۲.
- ۲- ابادری فومشی، منصور؛ مجموعه‌ی کامل نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه در مسائل حقوقی. چاپ نخست، تهران، انتشارات خط سوم، ۱۳۹۱.
- ۳- اعظمی زنگنه، عبدالحمید؛ حقوق بازرگانی: درس و تقریرات. با سعی و اهتمام دکتر سهراب امینیان، چاپ چهارم. تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- ۴- بازگیر، یداله؛ مجموعه‌ی سه، آرای دیوان عالی کشور در امور حقوقی، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۷.
- ۵- جهانیان، مجتبی؛ براری چناری، یوسف؛ قانون اجرای احکام مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ نخست، تهران، انتشارات جاودانه، ۱۳۹۳.
- ۶- حسنی، حسن؛ حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۴.
- ۷- دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، جلد دهم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- ۸- ساسان‌نژاد، امیرهوشنگ؛ مجموعه کامل قوانین و مقررات چک، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۸.
- ۹- عرفانی، محمود؛ حقوق تجارت به زبان ساده، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
- ۱۰- علی‌بخشی، محبوبه؛ حقوق تجارت: بر اساس کتاب حقوق تجارت دکتر حسن ستوده تهرانی، جلد سوم، چاپ نخست، تهران، انتشارات سیمیا، ۱۳۸۹.
- ۱۱- کامیار (کارکن)، محمدرضا؛ گزیده آرای دادگاه‌های حقوقی تهران، مجموعه‌ی اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات حقوقدان، ۱۳۷۶.
- ۱۲- کامیار (کارکن)، محمدرضا؛ گزیده آرای دادگاه‌های حقوقی تهران، مجموعه‌ی سوم، چاپ نخست، تهران، انتشارات حقوقدان، ۱۳۷۶.

- ۱۳- کاویانی، کورش؛ حقوق اسناد تجاری، چاپ هفتم، ویرایش دوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۴.
- ۱۴- لطفی، اسدالله؛ ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه محمدبن مکی (شهید اول)، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۲.
- ۱۵- معاونت آموزش قوه قضائیه؛ مجموعه نشست‌های قضایی: «مسائل آیین دادرسی مدنی دو»، چاپ نخست، تهران، انتشارات جنگل (جاودانه)، ۱۳۸۷.
- ۱۶- معاونت حقوقی و توسعه‌ی قضایی قوه قضائیه؛ مجموعه تنقیح شده و مقررات حقوقی قوه قضائیه، چاپ دوم، روزنامه رسمی کشور، زمستان ۱۳۸۶.
- ۱۷- معاونت قضایی پژوهش‌های علمی دادگستری استان تهران؛ مجموعه دیدگاه‌های قضایی قضات دادگستری تهران، چاپ اول، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸.
- ۱۸- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- ۱۹- نوبخت، یوسف؛ اندیشه‌های قضایی (نظرات مشورتی قضات دادگاه‌های حقوقی دو تهران)، چاپ دوم، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۸.

ب) مقالات

- ۲۰- آموزگار، مریم‌السادات؛ مشکلات حقوقی وثیقه‌گذاران اسناد تجاری، فصلنامه فقه و حقوق خانواده، شماره ۲۱ و ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰.
- ۲۱- براهم، احمد؛ دادگو، رحمان؛ ظهنویسی در حقوق تجارت ایران، مجله حقوق خصوصی و بازرگانی، شماره دوم، ۱۳۷۰.
- ۲۲- بهارپور، نیما؛ بررسی‌های حقوقی: ظهنویسی و آثار حقوقی آن در اسناد تجاری، مجله پژوهش‌های حقوقی-اقتصادی، شماره ۶۹، شهریور ۱۳۸۷.
- ۲۳- سیداحمدی سجادی، سیدعلی؛ تضامن در اسناد تجاری، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۱۴، ۱۳۸۱.

- ۲۴- شیروی، عبدالحسین؛ میری، حمید؛ بررسی تطبیقی انتقال الکترونیکی اسناد تجاری (سفته، برات و چک)، فصلنامه اندیشه‌های حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
- ۲۵- صادقی گلدر، احمد؛ ظهرنویسی، مقررات و انواع آن، فصلنامه حق (مطالعات حقوقی و قضایی)، شماره چهارم، زمستان ۱۳۶۴.
- ۲۶- قنبری کیوی، سولماز؛ وکیل در ظهرنویسی و کالتی، فصلنامه کانون، سال پنجاه و سوم، شماره ۱۲۱، مهر ۱۳۹۰.
- ۲۷- نیک‌فرجام، کمال؛ مطالعه‌ی تطبیقی نمایندگی در امضای اسناد تجاری (سفته، برات و چک)، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۲.

ج) قوانین

۲۸- قانون تجارت.

۲۹- قانون مدنی.

۳۰- قانون صدور چک.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Status of endorsement and difference guarantees in the business documents with the emphasis on judicial procedures

Ali Bagheri*
Amir Barzegar**
Sakine Bagheri***

Received: 3/8/2015 Accepted: 8/9/2015

Abstract:

Recognition endorsements to guarantee one of the important problems in civil proceedings. It is important that the law of civil procedure and commercial law, the definition of endorsements and guarantees were not provided. This research is due to the basic principles of commercial law and given the complexity of the technical issues specific to the concept of business documents (paper money, promissory notes and bills of exchange) and also the need to facilitate trade through regulations, through recognition concepts endorsements and guarantees on commercial documents, to identify similarities and differences of these two technical and functional place.

Key words: Endorsements, guarantees, documents, business documents, bills of exchange, promissory note, paper money.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*M.A. in Economics Law of Shahid Beheshti University.

**Judge & M.A. in Civil Law of Noor- e Tooba Institute of Higher Education.

***Ph.d Student of Civil Law and Jurisprudence at Kharazmi University & Assistant Professor of Law Group in Faculty of Theology and Islamic Sciences in Payam- e Noor university.